

نظر سوم

سهم سرمایه گزاران مالی و سرمایه گزاران کاری در مفاد شرکت ها



داکتر فریار کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

نظرها و پیشنهاداتی چند جهت بهتر شدن امور افغانستان خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم میگردد، امید است مورد توجه قرار گرفته و راه های عملی آن جستجو گردد. در تشریح این نظرها کوشش به عمل آمده است تا هرچه مختصرتر و ساده تر بیان گردد تا بیشتر مردم آنرا درک نموده و برایشان قابل فهم باشد. مردم افغانستان باید از همین حالا جهت اصلاح قانون اساسی، نظام و روش سیاسی و دیگر امور مهم توجه جدی بخرج دهند. البته این نظرها را نباید با نظریه مغالطه کنیم.

مدل های اقتصادی کمونیستی و کپیتالیستی تا جائیکه به مردم ربط میگیرد در حقیقت یک نتیجه را دارا میباشند و آن اینکه در سرمایه گذاری ها تنها کسانی که سرمایه گذاری مالی نموده اند، صاحب مفاد میشوند و کسانی که کار کرده اند در مفاد شرکت ها سهم ندارند مگر اینکه یک سرمایه گزار و کارفرمای عادل در رأس باشد.

فرق میان سرمایه گذاری های کمونیستی و کپیتالیستی صرف اینست که سرمایه گزار فرق میکند اما مفاد در هر دو صورت به کسانی که در عمل کار میکنند، نمیرسد. در رژیم های کمونیستی سرمایه گزار دولت بوده که با رهبری حزب واحد هم اقتدار سیاسی و هم قدرت اقتصادی را در دست دارد و مفاد کار مردم را مورد استثمار قرار داده و احدی توانائی اظهار نظر را ندارند. در رژیم های کپیتالیستی سرمایه داران تمام مفاد کار مردم را در دست دارند و آنرا استثمار میکنند. باوجودیکه آزادی بیان وجود دارد اما گوش شنوا درک ندارد زیرا قوانین به نفع آنها تقنین شده است. بنابراین در هیچ کدام این دو مدل اقتصادی عدالت وجود ندارد.

در تولید یک شئی دو عامل وجود دارد یکی سرمایه‌گذاری مالی و دیگر سرمایه‌گذاری کاری. هیچ چیز بدون یکی از ایندو عامل تولید شده نمیتواند. پس مفادیکه از ایندو عامل به دست می‌آید، باید به هر دو نوع سرمایه‌گذاری بطور عادلانه تقسیم شود. اگر هم سرمایه‌گذاری مالی و هم سرمایه‌گذاری کاری توسط یک شخص صورت گرفته باشد، در آنصورت همان یک شخص میتواند تمام مفاد این سرمایه‌گذاری‌ها را تصاحب کند. اما اگر سرمایه‌گذاری مالی توسط چند شخص و سرمایه‌گذاری کاری هم توسط چندین شخص صورت گرفته باشد، در آنصورت مفاد این سرمایه‌گذاری باید بین همه به تناسب سرمایه‌گذاری مالی و کاری شان تقسیم گردد. این مفاد را نباید با معاش کار مغالطه نمود.

طور مثال یک شرکت پاک کاری و بسته‌بندی میوه‌های خشک تاسیس شده است. در این شرکت پنج نفر سرمایه‌گذاری مالی نموده‌اند و پنجاه نفر کار میکنند، یعنی سرمایه‌گذاری کاری نموده‌اند. اگر این شرکت در طول یک سال یک میلیون افغانی مفاد کند، این یک میلیون افغانی مال تمام سرمایه‌گذاران مالی و سرمایه‌گذاران کاری میباشد. پس باید این مفاد بین ایندو نوع سرمایه‌گذاران تقسیم شود. اینکه چگونه تقسیم شود جا دارد تا در مورد آن تفکر بیشتر صورت گرفته و راه حل عادلانه دریافت گردد. البته در مرحله اول باید این مفاد به دو نسبت تقسیم شود. یک نسبت برای سرمایه‌گذاران مالی و نسبت دیگر برای سرمایه‌گذاران کاری.

نسبتی که به سرمایه‌گذاران مالی میرسد باز هم به نسبت مقدار سرمایه‌گذاری هر یک شان تقسیم شده و برای ایشان پرداخته شود. نسبتی که برای سرمایه‌گذاران کاری میرسد نظر به وقت کار، مهارت کاری، وظیفه‌که پیش می‌برند و دیگر مشخصات شان تقسیم گردد.

در حقیقت سرمایه‌گذاران مالی و کاری دو نوع درآمد خواهند گرفت. یکی معاش کار روزانه شان و دیگر سهمی که هر یک از مفاد شرکت سالانه بدست می‌آرند.

در این نوع مودل اقتصادی مفاد به جیب کسانی سرازیر میشود که عملاً در پروسه تولید سهم داشته و نه سرمایه‌دار و نه دولت کسی را استثمار میکند یا میتواند.

فواید این نوع سرمایه‌گذاری قرار ذیل میباشد:

- 1- مفاد به صاحبان اصلی آن میرسد.
- 2- سویه اقتصادی مردم در یک جامعه بی حد تفاوت نداشته و یکی بیحد متمول و دیگری بیحد فقیر نمی‌ماند.
- 3- مالیات هم از معاش و هم از مفاد سرمایه‌گذاری بصورت درآمد سالانه اخذ میگردد.
- 4- عدالت در جامعه برقرار میگردد.
- 5- هر کسی که در هر شرکتی کار میکند تا حد آخر کوشش میکند تا همان شرکت مفاد بیشتر کند تا سهم او هم بیشتر شود. بنابراین تولید و کیفیت آن بالا میرود.
- 6- کوشش در کیفیت تولید باعث میگردد تا شئی تولید شده در داخل و خارج خریداران خوب داشته باشد.
- 7- عدالت اقتصادی در یک جامعه باعث امنیت، آرامی و خوشی مردم میگردد و باعث ترویج اخلاق خوب و ذهنیت عالی میگردد.

8- همچنان فواید دیگر که در اینجا بخاطر مختصر بودن این سلسله نوشته ها از آنها صرف نظر میگردد.

هرگاه مردم، دولت، جامعه مدنی، و اقتصاددانها ارزش همچو یک مدل اقتصادی را بدانند و آنرا به درستی عملی کنند، اینکار باعث بسا خوبی های دیگری در جامعه خواهد شد. این کار باعث مرغوبیت تولیدات شده و عرضه آن به بازارها باعث پیشرفت شرکت ها خواهد شد. مالیات از دیدار یافته و کارمندان دولتی از معاش خوبی برخوردار خواهند شد. این کار همچنان بخاطر از دیدار مالیات برنامه های رفاه اجتماعی را بهبود نموده و هموطنان بی بضاعت، معیوب، کسانی که اعضای خانواده هایشان را در جنگ ها از دست داده اند و دیگر مستحقان را کمک و یاری نموده و همچنان به برنامه های رفاه اجتماعی، تحصیلی و انکشافی کمک فراوان خواهد نمود.

تمام این ادعا ها بخاطری صورت میگیرد که اگر واقعاً همچو سیستمی روی کار شود، شرکت های خصوصی زیاد شده و از یکطرف مرغوبیت تولید بالا میرود و از طرف دیگر درآمد افراد جامعه و مالیات آنها بیحد از دیدار مییابد.

این کار البته بصورت خودکار بوجود آمده نمیتواند بلکه ضرورت به اصلاحات در قوانین سرمایه گزاری، کار و امور اقتصادی دارد. وظیفه قوه مقننه میباشد تا برای برآورده شدن این مامول قوانین درست طرح و تصویب نمایند. همچنان قابل تذکر است که شورای ملی افغانستان توانائی درک و پیشبرد همچو مسایل را ندارند. اینها را باید حقوق دانها، اقتصاد دانها و انجمن های مربوطه شان کمک کنند تا اول این موضوع را درک کنند، بدانند و از تمام اثرات آن با خبر شوند و بعد با کمک حقوق دانها و اقتصاد دانها قوانین مربوطه را ترتیب نموده و جهت طی مراحل قانونی در کمیته های شورای ملی مورد بحث قرار داده و بالاخره به تصویب برسانند. البته این کار یک روز، دو روز نیست ولی نتیجه آن اگر بدرستی پیش برود برای همه ملت افغانستان خوش آیند و قابل قبول خواهد بود.

بیانید برای منافع تمام مردم بصورت عادلانه فکر کنیم و حالا که اوایل بوجود آوردن شرکت های خصوصی است و بسیار دیر نشده است تهداب کارهای اقتصادی عادلانه را بگذاریم. گرچه این کار باید حد اقل ده سال قبل آغاز میشد ولی هر چه دلیل آن باشد وقت را از دست داده ایم و بعد از این نگذاریم امور اقتصادی ما به شکل غیر عادلانه پیش برود.

هنوز کارهای زراعتی، معادن، انرژی، صنایع، انکشافی، تحصیلی، مشورتی، رهنمائی و غیره بصورت کامل در کشور ایجاد نشده است. افغانستان برای پیشبرد این همه امور به صدها شرکت خورد و بزرگ ضرورت دارد. بهتر خواهد بود تا تهداب شرکت ها را بر اساس تولیدات با کیفیت خوب و تقسیم مفاد بصورت عادلانه بین سرمایه گزاران مالی و سرمایه گزاران کاری بدرستی تهداب گذاری و طرح ریزی نمائیم. نگذاریم حکومت و دولت از مفاد کار مردم سوء استفاده نمایند و یا نگذاریم سرمایه گزاران مالی بصورت یک طرفه تمام مفاد شرکت ها و تولیدات را به جیب خود بزنند و اکثریت جامعه در حال فقر بسر برند. با داشتن همچو قوانین و مدل اقتصادی شرکت های خارجی هم قادر به چور و چپاول ثروت های طبیعی افغانستان نخواهند شد.

دولت و حکومت نمیتواند برای همه مردم کار خلق کند و اقتصاد مردم و کشور را بلند ببرد. شرکت های خصوصی در یک نوع بازار آزاد کنترل شده و مودل اقتصادی نی که در اینجا بالای آن بحث صورت گرفت میتواند کار زیاد برای مردم خلق کنند و باعث شگوفائی اقتصاد کشور گردند. از طرف دیگر این کارهای خورد و ریزه است که حکومت ها نباید خود را مصروف آن سازند بلکه سکتور خصوصی میتواند بخوبی از عهده آن برآید. سرمایه گزاران مالی سکتور خصوصی صرف باید اینقدر درک داشته باشند که تمام مفاد تنها از آنها نیست و باید با کارمندان و کارگران (سرمایه گزاران کاری) نیز یک مقدار آنرا سهیم سازند. البته سهم مفاد برای سرمایه گزاران کاری را نمیشود به دست سرمایه گزاران مالی قرار داد بلکه مدیریت آنرا باید قانون تعیین نموده و ادارات قانونی و مردمی برای پیشبرد امور آن ایجاد گردد.

اگر دولت مردمی باشد و خواهان بهبود اقتصاد مردم باشد میتواند یک تعداد شرکت ها را در اول سرمایه گذاری نموده و بعداً برای کارمندان همان شرکت بصورت سهم بفروش برساند و در حقیقت شرکت های سهامی بیشتر را ایجاد نماید.

این موضوع بصورت بسیار مختصر توضیح شد و در آینده میتوان بالای آن بحث بیشتر نمود.
4/ فبروری 2015/